

یک تحلیلگر مسائل بین الملل اظهار داشت: شروطی که هم اکنون از سوی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل اعلام شده‌اند، به وضوح در حوزه بین الملل خطرناک و حساس محسوب می شوند. این شروط، به ظاهر جزئی و محدود به توافقات هسته‌ای به نظر می‌رسند، اما نمی‌توان منکر این موضوع شد که این شروط می‌توانند مسیر کلی تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و دیپلماتیک را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. در شرایط موجود، همه نگاه‌ها به تصمیمی کلیدی دوخته شده که در شورای امنیت سازمان ملل متحد گرفته می‌شود. تصمیمی که انتظار می‌رود روشن‌کننده مسیر آینده باشد و آخرین وضعیت تحولات منطقه و توافقات بین‌المللی را تعیین کند. سید جلال ساداتیان گفت: وزرای خارجه کشورهای چین و روسیه و همچنین ایران، پیام‌هایی مشابه به رئیس کل شورای امنیت ارسال کرده و خواستار رسیدگی دقیق و بیطرفانه در این زمینه شده‌اند. در این نامه‌ها اعلام شده که شورای امنیت نباید تحت تأثیر فشارهای یکجانبه یا خواسته‌های سیاسی خاص قرار گیرد و همه تصمیم‌ها باید بر اساس اصول و قوانین بین‌المللی انجام شوند. یکی از مباحث کلیدی بحث، تمدید مدت تعلیق مکانیسم ماشه است. بر اساس طرح پیشنهاد شده، اگر زمان فعال سازی مکانیسم ماشه، ۶ ماه به تعویق بیفتد، زمان فعال سازی، به جای فروردین ماه، به مهرماه آینده موکول می‌شود. چنین اقدامی، در واقع فرصتی بیشتر برای رایزنی‌ها و کاهش فشارهای فوری بر ایران فراهم می‌کند و می‌تواند روند تصمیم‌گیری شورای امنیت را آرام‌تر و محتاطانه‌تر کند. وی افزود: با وجود تلاش‌های اخیر ایران، چین و روسیه، ترکیب شورای امنیت فعلی به نفع آمریکا است. این موضوع باعث می‌شود که ایالات متحده از اهم قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر تصمیمات این شورا برخوردار باشد. با این وجود، پیچیدگی‌های منطقه‌ای، تضاد تمایل اسرائیل برای درگیری نظامی و عدم تمایل آمریکا به مناقشات نظامی در منطقه را پررنگ‌تر می‌کند. اسرائیل، آشکارا تلاش می‌کند مانع از رسیدن به نتیجه‌ای ملموس در مذاکرات ایران و آمریکا شود. این تضاد، فضای دیپلماتیک موجود را حساس و شکننده کرده است. دیپلمات پیشین ایران در انگلستان بیان کرد: رئیس‌جمهور کشورمان اخبار و اکتشی هوشمندانه نشان داده و اعلام کرده که آماده گفت‌وگو به شرط رعایت عدالت در مذاکرات است. این سخن، در واقع تلاش ایران برای حفظ توازن میان مقاومت و پایداری سیاسی و امنیتی را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند ایران به دنبال مدیریت فشارها و حفظ منافع ملی خود است. اروپایی‌ها نیز گرچه، در ظاهر بر مواضع خود اصرار دارند، اما در همین بازه زمانی یک ماهه، اگر اقدامی از سوی ایران صورت گیرد، اروپا به آن ترتیب اثر می‌دهد. فعال شدن مکانیسم ماشه، یکی از موضوعات حساس و تعیین کننده در پرونده‌های سازمانی است. فعال سازی این مکانیسم عملاً به معنای افزایش فشارها بر ایران و محدودیت‌هایی بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و دیپلماتیک خواهد بود. به همین دلیل، توافقی با عدم توافق برای تعویق مکانیسم ماشه، حیاتی دارد.

پیش‌بینی اجرا

ساداتیان تصریح کرد: هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت پیش‌بینی کند که آیا این مکانیسم، عملی خواهد شد یا خیر، اما تلاش‌های دیپلماتیک در این زمینه ادامه خواهد داشت. نقش شورای امنیت در این پرونده بی‌بدیل است. تصمیمات این شورا، به ویژه درباره مکانیسم ماشه، می‌تواند مسیرهای بین‌المللی و سیاست‌های منطقه‌ای را تعیین کند. در این شورا نه تنها وضعیت فعلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر ثبات سیاسی، امنیت و اعتبار سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های آتی نیز تأثیرگذار خواهد بود. تجربه نشان می‌دهد که در موضوعات حساس، تصمیمات شتاب‌زده و تحت فشار، می‌تواند اثرات مخربی بر روند مذاکرات و ثبات منطقه داشته باشد. وی افزود: در این شرایط، کشورهای مختلف برای افزایش وزن خود، سیاست‌های فشار را انتخاب کرده‌اند. در مجموع، پرونده تعلیق یا فعال سازی مکانیسم ماشه، یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین پرونده‌های بین‌المللی در سال‌های اخیر است. شروط آمریکا و اسرائیل، فشارهای منطقه‌ای، نقش‌های اروپایی‌ها و استفاده از ایران در زمین‌گیری و مقاومت، همگی در یک شبکه پیچیده دیپلماتیک قرار دارند که نتیجه آن نه تنها بر روابط ایران و جهان است، بلکه بر ثبات و امنیت کل منطقه تأثیرگذار خواهد بود. ایران با سیاستی محتاطانه، اما قاطع، هم به دنبال حفظ مسیر و کاهش فشارهای بین‌المللی است.

علی صوفی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تصمیمات پرهزینه نتیجه نفوذ است



رد پای نفوذ از لغو کنسرت تاکریدور شمال-جنوب

تندروها با شادی مردم سر سازگاری ندارند

آرمان ملی - احسان اسقایی: شادی حق مردم است اما عده‌ای با آن مخالفند. علت چیست؟ و چرا این مخالفت را در زمانی که قرار است شادی و نشاط باعث ایجاد وحدت بیشتر بین مردم و حتی مردم و حاکمیت شود، با آن مخالفت می‌کنند؟ آیا هدف آنها این است که دستاوردی برای دولت کنونی وجود نداشته باشد؟ یا اینکه ریشه‌های این مخالفت‌ها را باید در پروژه‌های دیگری جست‌وجو کرد. لغو کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی تهران، تلمه بزرگی بود به پروژه آرامش و کاشف بین دولت و ملت، دولت پزشکیان و وزیر ارشاد و معاونت هنری وزیر زحمات

در شرایطی که دولت برای افزایش آرامش و همدلی در جامعه از برگزاری کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی حمایت می‌کرد، این کنسرت لغو شد. واقعا در این کشور چه خبر است؟

این اقدام برخلاف وعده‌های آقای رئیس‌جمهور و هم برخلاف سیاست‌های کلی نظام بعد از جنگ تحمیلی ۲۲ روزه است. تصور این بود که مردم از این به بعد بیشتر رعایت شوند و اگر منابع خوبی برای بهبود اوضاع معیشتی مردم وجود ندارد حداقل باید در بعد فرهنگی فضا را به سمتی پیش ببرند که مردم احساس آرامش و شادی کنند. در فرهنگ و اقدامات فرهنگی که هزینه‌ای روی دست نظام و دولت گذاشته نمی‌شود، سوبه‌گیری که عده‌ای تندرو علیه سیاست‌های فرهنگی دولت کنونی ایجاد کرده‌اند از جمله تلاش برای لغو کنسرت آقای شجریان نارواست، چون در امور فرهنگی مانند برگزاری کنسرت خیابانی نه فساد ی وجود دارد و نه خطر به وجود می‌آید و از آن طرف هم دل مردمی که در مشکلات شدید اقتصادی هستند، شادی می‌شود و این به نفع دولت و نظام است. آثار دیگر برگزاری چنین مراسمی که تندروها جلوی آن را گرفتند این است که وقتی دشمنان ایران و نظام مشاهده می‌کنند که مردم شادند و از نظام سیاسی هم رضایت دارند کوتاه می‌آیند. در جنگ ۱۲ روزه هم مشاهده کردیم که ستون خیمه نظام مردم بودند. آنچنان که دشمنان ما روی مردم حساب کرده بودند اما شهروندان به گونه‌ای رفتار کردند که دشمنان شاد نشدند. پرسش این است که آیا این چه اقدامی بود که انجام دادند و دل مردم را خون کردند؟ چرا نظام سیاسی ایران باید به خاطر شهرداری هزینه پرداخت کند؟ از سوی دیگر ما هزینه حضور تندروهایی را می‌پردازیم که ذهن‌هایی سخت دارند.

چرا تندروها فکر می‌کنند که اگر مردم شاد باشند، آن هم شادی بر اساس شعرهای مولانا و حافظ و ایران دوستی صدمه‌ای به نظام سیاسی ایران وارد می‌شود؟

تندروها اساساً مردم را نمی‌فهمند. در مرام این افراد مردم هیچ جایگاهی ندارند. اساساً با خوشی و شادی مردم موافق نیستند اما مشاهده می‌کنیم که برای مراسم دلخواه‌شان هر اقدامی انجام می‌دهند حال اینکه منعی از منظر قانون برای شادی مردم نیست. امروز اگر به دستگاه‌های تبلیغاتی مراجعه کنید و کمکی برای برگزاری مراسم برای شادی مردم بخواهید، بودجه‌ای نیست اما برعکس آن بودجه فراوان است و هر کمکی می‌کنند دریغ از یک قدم برای شادی مردم و دریغ از یک قدم برای تقویت نهاد‌های فرهنگی اصیل ایرانی. از آن س‌ودر حالی که ابهامات متعددی در اطراف فردی مانند بابک زنجانی وجود دارد و بنا بر حکم دستگاه قضا پرونده سنگینی هم داشته، آزاد گذاشته‌اند و هر روز در حال انجام شو رسانه‌ای علیه دولت باشد و کسی جلوی او را نمی‌گیرد که در شرایط فعلی اطلاعات اشتباه به مردم ندهد. از این وضعیت تنها می‌توان یک نتیجه گرفته و آن اینکه مدیریت کشور دست مدیران با تجربه نظام نیست و در نگاه بدبینانه، نفوذی‌ها در بخش‌هایی کارشان را پیش می‌برند، کما اینکه شاهد بودیم آدرس منزل فرماندهان نظامی ما را هم داشتند و در منزل یا محل کار یا محل جلسه آنها را بمباران کردند و یا اینکه در روزهای جنگ با اسرائیل شاهد بودیم که نفوذی‌ها گازی محل جلسه هیأت دولت و سران قوا را به دشمن دادند و این مکان مورد هدف قرار گرفت.

سوء مدیریت یک مسأله است و نفوذ مسأله‌ای دیگر. به نظر شما نفوذ را چطور می‌توان تحلیل کرد؟

در اسنادی که بعد از سال‌ها در ارتباط با وقایع بزرگ تاریخی



زیادی را در این دوره یک‌ساله از لغو ممنوعیت فعالیت هنری بازیگران و هنرمندان تا موارد دیگر را در دست‌کار قرار دادند تا حال که دولت توانسته در مسائل اقتصادی انتظارات را برآورده کند؛ حداقل فضایی را برای آرامش روح و روان جامعه ایجاد نماید. «آرمان ملی» به بهانه لغو کنسرت همایون شجریان، با علی صوفی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و دبیرکل حزب پیشرو اصلاحات به گفت‌وگو پرداخته است. او معتقد است باید در این موارد دنبال نفوذ و نفوذی‌ها بود. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.

تصور این بود که مردم از این به بعد بیشتر رعایت شوند و اگر منابع خوبی برای بهبود اوضاع معیشتی مردم وجود ندارد حداقل باید در بعد فرهنگی فضا را به سمتی پیش ببرند که مردم احساس آرامش و شادی کنند

این اقدام برخلاف وعده‌های آقای رئیس‌جمهور و هم برخلاف سیاست‌های کلی نظام بعد از جنگ تحمیلی ۲۲ روزه است. تصور این بود که مردم از این به بعد بیشتر رعایت شوند و اگر منابع خوبی برای بهبود اوضاع معیشتی مردم وجود ندارد حداقل باید در بعد فرهنگی فضا را به سمتی پیش ببرند که مردم احساس آرامش و شادی کنند. در فرهنگ و اقدامات فرهنگی که هزینه‌ای روی دست نظام و دولت گذاشته نمی‌شود، سوبه‌گیری که عده‌ای تندرو علیه سیاست‌های فرهنگی دولت کنونی ایجاد کرده‌اند از جمله تلاش برای لغو کنسرت آقای شجریان نارواست، چون در امور فرهنگی مانند برگزاری کنسرت خیابانی نه فساد ی وجود دارد و نه خطر به وجود می‌آید و از آن طرف هم دل مردمی که در مشکلات شدید اقتصادی هستند، شادی می‌شود و این به نفع دولت و نظام است. آثار دیگر برگزاری چنین مراسمی که تندروها جلوی آن را گرفتند این است که وقتی دشمنان ایران و نظام مشاهده می‌کنند که مردم شادند و از نظام سیاسی هم رضایت دارند کوتاه می‌آیند. در جنگ ۱۲ روزه هم مشاهده کردیم که ستون خیمه نظام مردم بودند. آنچنان که دشمنان ما روی مردم حساب کرده بودند اما شهروندان به گونه‌ای رفتار کردند که دشمنان شاد نشدند. پرسش این است که آیا این چه اقدامی بود که انجام دادند و دل مردم را خون کردند؟ چرا نظام سیاسی ایران باید به خاطر شهرداری هزینه پرداخت کند؟ از سوی دیگر ما هزینه حضور تندروهایی را می‌پردازیم که ذهن‌هایی سخت دارند.

متنشر شده به اثبات رسیده که دشمنان به عوامل خود در درون کشورها دسترسی را داده‌اند. به راستی باید در این ارتباط فکر کرد که شاید برخی در پشت پرده حضور دارند و نمی‌خواهند که اتفاقات خوب در این کشور بیفتد و اجازه نمی‌دهند برخی وقایع در راستای منافع ملی و به نفع مردم رخ دهد.

آقای مهندس این ادعاها کمی بزرگ است امکان دارد بیشتر توضیح دهید؟

واقعا زدن فرماندهان عالی رتبه نظامی کشور در ساعات اولیه جنگ برچه اساس می‌تواند باشد جز نفوذ؟ اجازه دهید من مثال دیگری برای شما بزنم. هم‌اینک مسیر ریلی از رشت به استارا در حال ساخت است که کریدور شمال و جنوب را عملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. در زمان آقای خاتمی در دولت رسماً روی کریدور شمال – جنوب کار شد. قرار بود یک کریدور با ارزش با مصوبه اتحادیه اروپا اجرا کنیم. در مورد کریدور شمال – جنوب کنسرسیومی وجود دارد با مشارکت ایران، روسیه و هند؛ تحت نام ناسیکا یا همان کریدور شمال – جنوب که این کریدور منافع اقتصادی زیادی برای کشور دارد و پیش‌بینی شده که از این مسیر سالیانه ۵۰ میلیون تن بار جابه‌جا می‌شود و ایران یکی از مهم‌ترین کشورها در این مسیر است. این مسیر از هلسنیکی شروع می‌شود و به روسیه می‌رود و در کنار دریای خزر به دریای رسد و در دریای خزر با کشتی‌هایی موسوم به رورو به ساحل ما می‌رسد و با قاطر کالا به چابهار می‌رود و نهایت مسیر به هند منتقل می‌شود. من در آن زمان که استاندار بودم به شدت پیگیر این مورد بودم و آقای خاتمی کلنگ راه‌آهن قزوین رشت به انزلی را به زمین زد و اکنون این مسیر آماده است و راه‌آهن آماده است و تنها چند کشتی لازم دارد که این کشتی‌ها قرار بود توسط رئیس‌جمهور یکی از جمهوری‌های فدرال روسیه یعنی کالومنتکا خریداری شود. این فرد در زمان مسئولیتم نزد من آمد و اعلام کرد که این کشتی‌ها را خریداری خواهد کرد. همه چیز اکنون برای بهره‌برداری آماده است آن هم در شرایطی که آمریکا قصد دارد کریدور شرقی به غرب را با راه‌اندازی زنگرور راه بیندازد و ایران باید هر طور شده این مسیر را که آماده بهره‌برداری است راه بیندازد اما راه نمی‌افتد. یکی به من بگوید چه خبر است که این کریدور راه نمی‌افتد؟

تندروها اساساً مردم را نمی‌فهمند و مردم در مرام این افراد هیچ جایگاهی ندارند.

اساساً با خوشی و شادی مردم موافق نیستند حال اینکه منعی از منظر قانون برای شادی مردم نیست

دبیر کل حزب موثلفه:

فعال سازی مکانیسم ماشه، امنیت انرژی و ثبات منطقه را به مخاطره می‌اندازد

امانی با اشاره به خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، تصریح کرد: این اقدام، مشروعیت ه‌رادعایی از سوی غرب را زیر سؤال می‌برد، وی همچنین تأکید کرد که اقدامات ایران پس از خروج آمریکا، پاسخ مستقیم به نقض تعهدات طرف غربی بوده است. دبیرکل حزب موثلفه اسلامی با اشاره به تأثیر این اقدام بر بازار انرژی و اقتصاد جهانی، هشدار داد: فعال سازی مکانیسم ماشه نقض اصل «با یک دستی» در حقوق بین‌الملل می‌باشد لذا نباید کشورهایی که خود با عدم اجرای تعهدات اقتصادی

ظاهر امسیری جایگزین این مسیر شده است؟

ایران و روسیه در دولت قبل قراردادی را منعقد کردند تا راه‌آهن رشت به استارا راه‌اندازی شود که کریدور راه بیفتد. در حالی که مسیر این نیست. این مسیر خواسته جمهوری آذربایجان است و حتی علی‌ا حاضر است هزینه این راه‌آهن را بپردازد تا در مسیر راه‌آهن شمال – جنوب قرار بگیرد اما ایران و روسیه قرار داد بسته‌اند که این مسیر افتتاح شود. به نظر من روسیه بین ما و جمهوری آذربایجان، آذربایجان را انتخاب کرده است. ادامه چنین سیاست‌هایی ممکن است کریدور شمال – جنوب را به هم بزند.

چرا هیچ‌کس نیست که از این منفعت ملی بزرگ پاسداری کند؟ من در تعجب هستم و هیچ بعید نیست در این ارتباط بتوان رد پای نفوذ و نفوذی‌ها را یافت. منفعت جمهوری آذربایجان این است که این مسیر حرف‌شود تا جمهوری آذربایجان در مسیر کریدور قرار گیرد. زمانی که قرار داد با روسیه بسته شد من واقعا حیرت کردم. در حالی که الهام علی‌اف گفته بود که من حاضر به هزینه جمهوری آذربایجان این مسیر را بکشم. واقعا در شگفتم و کسی نیست که جواب دهد؟ ما در برابر آمریکایی‌ها که برخلاف منافع ایران و روسیه زنگرور را راه انداخته است، می‌توانیم مسیر کریدور شمال به جنوب را راه بیندازیم که هم پاسخی به جمهوری آذربایجان باشد و هم پاسخی به آمریکا باشد، چرا که تمام تلاش آمریکا و اسرائیل این است که کریدور شمال به جنوب راه نیفتد و به جای آن کریدور شرق و غرب راه‌اندازی شود.

یعنی شما معتقدید در اینجا نفوذ صورت گرفته که راه کریدور شمال به جنوب به رغم اینکه مسیر آن تقریباً آماده است، راه نمی‌افتد اما مسیر دیگری در حال جایگزینی است؟

شما چه برداشت دیگری می‌توانید از این موضوع که بنده تشریح کردم داشته باشید؟ نفوذی‌ها اگر نفوذ نکرده بودند که باید مسیر شمال به جنوب راه‌اندازی می‌شد. در حالی که معمولاً سناریوهای مختلفی برای امور کشور وجود دارد، چرا باید در نهایت سخت‌ترین و پرهزینه‌ترین و غیر اصولی‌ترین سناریو انتخاب شود؟ برای نمونه در حالی که گفته شد ما مشکلی با مذاکره نداریم، جنگ می‌شود چرا؟ چون مسیر سخت را انتخاب کردیم و در نهایت هم در این مسیر اسرائیل نفوذ کرد و جنگ را راه انداخت و مذاکرات تعطیل شد. در سوی دیگر این احتمال هم وجود دارد که اگر مذاکرات از نظر ساختاری به شکل دیگری انجام می‌شد شاید اتفاقات در مسیر دیگری رخ می‌اد. در حال حاضر این نگاه پدید آمده که بدون حل مشکل با آمریکایی‌توان مشکلات را حل کرد و تحریم‌ها را برداشت. شاید انجام مذاکرات به شیوه جدید موثرتر باشد، اما که تصمیماتی گرفته می‌شود که از نفوذ هم هزینه بیشتری دارد.

در مورد مکانیسم ماشه هم همین‌طور، ما با اروپایی‌ها مذاکره می‌کنیم که مکانیسم ماشه اجرا نشود اما در نهایت اجرامی‌شود، چون احتمالنمی‌توانیم تصمیم درست بگیریم. به جواب سؤال شما برگردم حتی سازمان برنامه و بودجه هم با کریدور شمال به جنوب مخالف بود، اما محمد خاتمی پای این کریدور استناد عارف و خاتمی بودند که تصمیم نهایی را گرفتند. خاتمی خودش اعلام کرد که کلنگ راه‌آهن را می‌زند. در آن موقع خاتمی تصمیم گرفت اما اکنون مسیر هم آماده است اما راه‌اندازی نمی‌شود و تمرکز هم روی مسیر استاراست. من حاضرم در هر محکمه‌ای در این ارتباط توضیح دهم این مسیر مسیر پرمرتبتی برای ایران است و بر سر این مسیر اما ما به رغم داشتن زیرساخت عملاً از آن گذشته‌ایم.

ذره بین

فضایی برای دیپلماسی

بعد از کشیدن ماشه تحریم‌ها وجود دارد؟

پنجشنبه هفته گذشته بود که فرانسه، بریتانیا و آلمان موسوم به «تروئیکای اروپایی» با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل اعلام کردند که سازوکار «مکانیسم ماشه» را برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران که ذیل توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ تعلیق شده بود فعال می‌کنند.

نامه به شورای امنیت

در نامه مشترک کشورهای تروئیکای اروپایی خطاب به ریاست شورای امنیت سازمان ملل متحد برای فعال سازی مکانیسم ماشه که در تاریخ ۲۸ اوت (برابر با پنجشنبه ۶ شهریور) ارسال شد، آمده بود: علی‌جناب، مطابق با پاراگراف ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد (که سال ۲۰۱۵ تصویب شد) و [با لحاظ این مسأله که] هر کدام [از کشورها] مطابق ظرفیت ملی خود مان به عنوان کشورهای شرکت‌کننده در «برنامه جامع اقدام مشترک» موسوم به «برجام» عمل می‌کنیم، از همین‌رو فرانسه، آلمان و بریتانیا (تروئیکای اروپایی) تمایل دارد که شورای امنیت را مطلع کند بر اساس مدارک واقعی، تروئیکای اروپایی بر این باور است که ایران به‌طور جدی به تعهداتش در ذیل برجام عمل نکرده و از همین‌رو، به فرایند موسوم به مکانیسم «اسنپ بک» استناد می‌گردد. این کشورهای اروپایی در نامه خود بی‌آنکه به پیمان شکنی طرفهای غربی در اجرای تعهدات برجامی اشاره‌ای نکنند، مدعی شدند: از سال ۲۰۱۹ تا به امروز، ایران به شکلی فراینده و عامدانه، اجرای تعهداتش را در زمینه برجام را متوقف کرده است. این شامل انباشت ذخایر اورانیوم با خلوص بالا است که فاقد هرگونه توجیه غیرنظامی معتبر بوده و برای دولتی بدون داشتن برنامه برای سلاح هسته‌ای بی‌سابقه است.

استقبال آمریکا

اما این اقدام کشورهای اروپایی که در واقع با هماهنگی قبلی آمریکا نیز صورت گرفته بود، با استقبال ایالات متحده روبه‌رو شد. سایت وزارت خارجه آمریکا در همان تاریخ ۲۸ اوت با انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی از طرف مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا نوشت: صبح امروز فرانسه، آلمان و بریتانیا روندی را تحت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اجرای اعمال دوباره تحریم‌ها علیه ایران کلید زدند. در بیانیه مارکو روبیو همچنین ا‌عا شده بود: «شرکای اروپایی موسوم به تروئیکای اروپایی مصداق بارزی از عدم اجرای مهم تعهدات هسته‌ای ترسیم کرده و پایه محکمی را برای آغاز اسنپ بک ارائه دادند.» روبیو در ادامه مدعی شد: «تروئیکای اروپایی می‌توانست از سال ۲۰۱۹ به این سو هر زمانی اسنپ بک (مکانیسم ماشه) را کلید بزند؛ اما ترجیح داد تا ابتدا به ارتباط و تعامل فشرده بپردازد تا به ایران یک راه دیپلماتیک خروج از تشدید هسته‌ای‌اش ارائه دهد. اذرای همین نیز آمریکا از هب‌ری تروئیکای اروپایی در این زمینه تقدیر می‌کند.

نامه مشترک ایران، چین و روسیه

در این سوی ماجرا ایران و کشورهای متحد ایران نیز بی‌کار ننشسته و در نامه مشترکی به دبیرکل سازمان ملل متحد خواهان لغو و بلااثر شدن تلاش کشورهای اروپایی برای فعال سازی مکانیسم ماشه شدند. بر اساس گزارش‌ها، وزرای خارجه ایران، چین و روسیه با ارسال نامه مشترکی به دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت، بارد تلاش سه کشور اروپایی جهت احياء قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت علیه کشورمان، تصریح کردند اعلان اسالی سه کشور اروپایی به شورای امنیت بر خلاف رویه‌های مندرج در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ فاقد مبنای حقوقی لازم است و باید باطل و بلااثر در نظر گرفته شود. اما با آنکه هفته گذشته روند فعال سازی مکانیسم ماشه کلید خورده است؛ اما اروپا بار دیگر خواهان حل پرونده هسته‌ای به شیوه دیپلماتیک شد؛ هرچند مدعی شد توپ اکنون در زمین ایران است. طبق آنچه که پایگاه خبری شبکه‌تی آر‌تی ترکیه گزارش داده، انور الاونئی، سخنگوی امور خارجه و سیاست امنیتی اتحادیه سه‌روپا، سه‌شنبه دوم سپتامبر، در نشست خبری روزانه خود گفت: تنها راه حل برای موضوع هسته‌ای ایران از مسیر دیپلماسی می‌گذرد و توپ اکنون در زمین تهران است. وی با اشاره به تلاش‌های کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، افزود: بروکسل همه تلاش خود را برای یافتن و تسهیل یک راه حل منطقی‌شده به کار خواهد گرفت. الاونئی همچنین اظهار داشت که طرف‌های مذاکره تنها ۳۰ روز فرصت دارند تا پیش از آغاز روند بازگشت تحریم‌های شورای امنیت به توافقی دست یابند.

فضا برای دیپلماسی

اگرچه همان طوری که سخنگوی امور خارجه و سیاست امنیتی اتحادیه اروپا اعلام کرد از لحاظ قانونی طرف‌های مذاکره ۳۰ روز از زمان ارسال نامه طرف‌های اروپایی به شورای امنیت و تا پیش از آغاز بازگشت تحریم‌ها فرصت دارند به توافق دست یابند؛ اما بعید به نظر می‌رسد با وجود اختلافهای فراوانی که میان ایران و طرفهای غربی وجود دارد، این امر امکان‌پذیر باشد. منابع دیپلماتیک می‌گویند در جریان گفت‌وگوهای اخیر با مقام‌های ایرانی، سه کشور اروپایی یعنی بریتانیا، فرانسه و آلمان سه شرط مشخص را برای جلوگیری از فعال سازی سازوکار «اسنپ‌بک» مطرح کرده‌اند. این شروط عبارت‌اند از: ازسرگیری مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم تهران با ایالات متحده بر سر احیای توافق هسته‌ای و کاهش سطح تنش‌ها. بازگرداندن دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به برخی تأسیسات هسته‌ای ایران؛ دسترسی‌ای که پس از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و آمریکا به‌طور کامل متوقف شده بود. اگر گزارشی شفاف و کامل درباره ذخایر اورانیوم غنی شده ایران؛ به‌ویژه بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی که طبق گزارش آژانس، همچنان در اختیار ایران است. از آنجا که شروط ارائه شده به نوعی با خطوط قرمز ایران در تضاد است و خصوصاً ایران پس از جنگ ۱۲ روزه عملاتی‌تواند اطمینان کاملی به طرفهای غربی داشته باشد؛ از همین‌رو ازسرگیری دیپلماسی در چنین فضایی عملاً دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ هرچند در میدان سیاست تا آخرین لحظه هیچ احتمالی را نمی‌توان کاملاً بعید شمرد.